

مصاحبه با سید مرتضیٰ حسرت زاده

معاون دبیر کل جمعیت دفاع از اهل بیت فلسطین

# عصر سید حسن عصری متفاوت

محمد قاریزوی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

سید مرتضی نجفی (متوفی ۱۳۳۱ خورشیدی) در سال ۱۳۳۹ با بدعتی معجزات سیاسی گذاشته در سال ۱۳۵۹ در خمین دستگیر شد و تا سال ۱۳۵۴ در زندان انوار در بند زندانیان سیاسی بود. از سال ۱۳۵۴ در گروه «مفسرون» مبارزه با رژیم پشاه را ادامه داد و بعد از پیروزی انقلاب در خمین در روزی که با چریک‌ها در خیابان خلیف غریب گانوشی راه نام گانوشی فریاد می‌زدند، نظامی انقلابیون مسلمان خمین در آن شبی که در کنار بسیاری از دوستان از جمله سید مرتضی نجفی، سید محمد چنانی راه به مبارزات ادامه داد.

وقتی بعد از پیروزی انقلاب در هند و بسیاری از کشورهای دیگر به عنوان مدیر امور خیریه‌ها تا سال ۱۳۶۳ فعالیت کرد. هند و بسیاری از کشورهای دیگر به عنوان مدیر امور خیریه‌ها تا سال ۱۳۶۳ فعالیت کرد. هند و بسیاری از کشورهای دیگر به عنوان مدیر امور خیریه‌ها تا سال ۱۳۶۳ فعالیت کرد.

تعمیرات در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ در خمین برون مرزی هند و بسیاری از کشورهای دیگر به عنوان مدیر امور خیریه‌ها تا سال ۱۳۶۳ فعالیت کرد.

مسائل سیاسی امروز خاور میانه و خلیج فارس در گروه تحقیق و تفحص واحد مرکزی خمین فعالیت می‌کند. از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ رابین فرهنگی ایران در مسوول بود. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۸ معاونت حوزه ریاست سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را بر عهده داشت و از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ به عنوان عضو گروه طرح و یکی از مؤسسان شبکه العالم فعالیت می‌کرد. وی در سال ۱۳۸۱ از صدا و سیما بازنشسته شد و از آن پس در مؤسسه خدمات رسانه‌ای، زیر نظر وزارت ارشاد، فعالیت خود را ادامه داده است.

این مؤسسه جزء یکی از سه مؤسسه خصوصی ای است که کار آن‌ها مسوولیت دادن به خبرنگاران خارجی است. از آن جایی که خبرنگاران خارجی باید صورت‌های حوزه‌های امنیتی را به دست مراجع کنند، این کنترل و هماهنگی توسط این مؤسسه‌ها انجام می‌شود.

این مؤسسه‌ها بدون تحریر، رسانه‌ها و شبکه نام‌آور نام دارند که حوزه کاری مؤسسه آخری به لبنان مربوط می‌شود. تعمیرات در سال‌های ۱۳۸۵ در جمعیت دفاع از ملت فلسطین به عنوان معاون دبیر کل فعالیت می‌کند.

با توجه به این که سید مرتضی نجفی جناب عالی در جمعیت دفاع از ملت فلسطین معاونت بین‌المللی و اجرایی است، بفرمایید که ارتباط شما با مردم و مجموعه مقاومت در لبنان به چه شکلی است؟

به‌طور کلی با مسوولان مقاومت در لبنان ارتباط و آشنایی دیرینه‌ای داریم. شاید اولین فیلم‌های مربوط به عملیات مقاومت پس از فیلم برداری در دفتر نمایندگی صدا و سیما در بیروت مونتاژ می‌شد و در اختیار شبکه هفت که در آن زمان مقرش در بخش مسلمان‌نشین بیروت قرار داشت و از حامیان مقاومت بود، قرار می‌گرفت و بعداً به سایر نقاط دنیا ارسال و پخش می‌شد.

بنابراین، ما از گذشته با دوستانمان در حزب الله در ارتباط بوده‌ایم؛ مثلاً آقای عبدالله که الان مدیر شبکه المنار هستند، در آن زمان مسوولیت تبلیغات حزب الله را بر عهده داشتند و ما با ایشان در ارتباط بودیم. اولین ملاقات من با آقای سیدحسین نصرالله نیز مربوط به سال ۱۳۶۲ در بطیک بود که ایشان در آن زمان مسوول بسیج حزب الله بودند و ما همان موقع به اتفاق آقایان روی‌وران و صدراعظمی مصاحبه‌ای با آقای سیدحسین نصرالله انجام دادیم.

**موضوع آن مصاحبه چه بود؟**

مربوط به زیرکی، درک و توانایی‌های بسیار قابل توجه اوست، با این که سیدحسین برای رهبران حزب الله، خصوصاً سیدعباس، احترام بسیار زیادی قائل بود و واقعاً پیروی و تبعیت ایشان از سیدعباس بسیار قابل توجه بود، اما عصر سیدحسین عصر متفاوتی است. سیدحسین از گذشته به‌عنوان یک مدیر قدرت‌مند در رده‌های تشکیلاتی حضور داشت. تبدیل شدن حزب الله به یک جنبش ملی و حتی فراملی در دوره سیدحسین اتفاق افتاد و علت آن هم این بود که او تحلیل دقیقی از اوضاع جهان، منطقه و لبنان داشت و در همین دوره ما شاهد تبدیل حزب الله به یک قدرت ملی و جهانی بودیم.

مثلاً ما ملاحظه می‌کنیم که در زمان تبادل اسراء بین حزب الله و اسرائیل، بعد از آزادی اسیران لبنانی، در مراسم استقبال از اسراء در فرودگاه کسانی به استقبال آن‌ها آمده بودند که برای همه غیر قابل پیش‌بینی بود. شاید هیچ‌وقت این اسراء باور نمی‌کردند که روزی مورد استقبال رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و فرمانده ارتش و رهبران سیاسی مسلمان، مسیحی، سنی و شیعه قرار بگیرند. در واقع این‌ها همه موهون نصرالله است که تلاش کرد همه لبنان را درگیر موضوع مقاومت بکند.

**نقش تبلیغات و رسانه در پیروزی‌های مقاومت و انعکاس آن در لبنان و جهان را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

تبلیغات دو بخش دارد: یکی ابزار یا بنوعی رسانه و دیگری گفتن. ما امروزه در جهان اسلام مشکل تجهیزات نداریم، اما مشکل گفتن داریم، یعنی مشکل چگونه ارتباط برقرار کردن با مخاطب را داریم. در دوره سیدحسین گفتن مطرح شد که قابلیت تأثیرگذاری و جذب همه نیروهای لبنان را در خود داشت. لبنان، کشوری است با یک ساختار طایفه‌ای بسیار متکثر، به همین دلیل ساختار سیاسی لبنان یک ساختار طایفه‌ای است. به‌رغم مطرح بودن بحث دموکراسی، این ساختار طایفه‌ای سال‌هاست که در آن جا وجود دارد. با وجود این که لبنان کشور کوچکی است، هجده طایفه در آن زندگی می‌کنند و همه طوایف در تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی آن نقش دارند. برقراری ارتباط و جذب بسیج همه این گروه‌ها در جریان مقاومت و تبدیل کردن مقاومت از یک نهضت شیعی به یک نهضت ملی و بعد تبدیل کردن آن به یک جریان اسلامی و تأمین حمایت‌های بین‌المللی در چارچوب قبول شدن مقاومت لبنان به‌عنوان یک مقاومت مشروع از سوی

البته چندان به خاطر ندارم، ولی می‌دانم که موضوع بحث ما در خصوص مقاومت لبنان بود. می‌دانید که در سال ۱۳۸۲ اسرائیل بخشی مهمی از لبنان را تا بیروت اشغال کرد، البته مدت‌زمان اشغال سه چهار روز بود یعنی اسرائیل ظرف سه چهار روز توانست تا نزدیکی‌های بیروت پیشروی کند و بخشی از این شهر را به محاصره درآورد، ولی خود بیروت را نتوانست اشغال کند و اگر آن را با جنگ ۳۳ روزه مقایسه کنیم که اسرائیل نتوانست از نوار مرزی، پیشرفت قابل توجهی داشته باشد و اگر در مناطقی موفق به پیشروی شدند، فی‌الواقع حزب الله بود که آن‌ها را وارد دام مرگ می‌کرد و در کل این پیشرفت در مقایسه با جنگ قبلی بسیار قابل توجه است.

**شما به‌عنوان فردی رسانه‌ای که سال‌ها در این رشته کار کرده‌اید و بعد از بازنشستگی هم به‌نوعی هنوز دغدغه رسانه دارد و از ارزش‌های جنبش فلسطین و لبنان دفاع می‌کنید، با توجه به آشنایی طولانی مدت از حدود ۲۵ سال پیش تا امروز با سیدحسین نصرالله، روند تکامل شخصیت این شخصیت برجسته جهان اسلام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به هر حال بخشی که در مورد شخصیت سیدحسین وجود دارد



سیدحسین از گذشته به‌عنوان یک مدیر قدرت‌مند در رده‌های تشکیلاتی حضور داشت. تبدیل شدن حزب‌الله به یک جنبش ملی و حتی فراملی در دوره سیدحسین اتفاق افتاد

مسیحیان که زمانی دشمن سرسخت مسلمانان بودند، امروز از هم پیمانان نزدیک حزب‌الله هستند. این گفتمان، گفتمانی است که دغدغه‌های طرف مقابل را کاملاً درک می‌کند و سعی در رفع نگرانی دارد. لذا نشان‌گر این است که گفتمان تحمیلی و یک‌سویه‌ای نیست و سعی دارد با توجه به مشترکات، تفاهمی را ایجاد کند. مهم‌ترین بحثی که در آن زمان با سیدحسین داشتیم در خصوص بحث تبلیغات بود. از آن موقع به بعد، شاهد هستیم که به تدریج پرچم لبنان در کنار پرچم حزب‌الله در مناسبت‌های مختلف مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و می‌بینید که پرچم ایران به تدریج در این مناسبت‌ها کنار گذاشته می‌شود که البته این خود نکته قابل توجهی است.

#### این نکته را بیش‌تر توضیح دهید.

در گذشته، وقتی حزب‌الله عملیاتی را انجام می‌داد، بعد از تصرف هر پایگاه اسرائیلی، پرچم ایران را در آن‌جا به اهتزاز در می‌آورد. تا این‌که بعد از طراحی پرچم حزب‌الله هر دو پرچم را حمل می‌کردند. هر چند که این موضوع برای حزب‌الله کاملاً قابل فهم بود، اما فهم موضوع برای دیگران سنگین بود و زمینه اتهام ایرانی بودن حزب‌الله فراهم می‌شد، بنابراین دیگر ضرورت نداشت که پرچم ایران در تبلیغات حزب‌الله حضور داشته باشد، زیرا درست است که ایران از حزب‌الله، به‌عنوان یک نیروی موثر در مقاومت حمایت می‌کرد، ولی منظور از این حمایت سهم‌خواهی و منفعت‌طلبی نبود؛ دغدغه ایران فقط مقاومت و حفظ تمامیت ارضی لبنان بود، به همین دلیل این مسأله از سوی مسؤولان ایرانی و حزب‌الله قابل فهم بود و پرچم لبنان به تدریج در مناسبت‌های مختلف از سوی حزب‌الله مورد استفاده قرار گرفت تا به مردم اعلام کند حزب‌الله یک نهاد مردمی و ملی و متعلق به لبنان است.

البته توجه به این نکته ضروری است که در رهبری یک نهضت، توجه به دایره‌ها بسیار ضروری است. یعنی باید حزب‌الله همراه با یک هویت شیعی که معرف آن است، یک هویت ملی هم داشته باشد و درعین حال هویت اسلامی داشته باشد و نیز هویت عربی. آن‌چه حزب‌الله را به ایران وصل می‌کند، هویت شیعی، و آن‌چه حزب‌الله را به لبنان اتصال می‌دهد هویت ملی، آن‌چه حزب‌الله را به جهان اسلام متصل می‌کند هویت اسلامی و هویت عربی‌اش هم حزب‌الله را به جهان عرب متصل می‌کند. این هویت‌ها نباید

نهادهای سازمان‌های بین‌المللی، همه متأثر از زیرکی و مدیریت خوب سیدحسین نصرالله بوده است.

گذشته از این، باید توجه داشته باشیم که فرآیند ملت‌سازی در کشورها فرآیند بسیار مهمی است. ما در لبنان فرآیند ملت‌سازی به جز در عرصه مقاومت نداشته‌ایم.

#### منظور تان ملت واحد است؟

منظور به‌دست‌آوردن هویت مشترک ملی است. در لبنان، همه طوایف، مهم‌ترین تهدید علیه خود را طایفه‌های دیگر می‌دیدند و نه دشمن خارجی، به همین دلیل همیشه سعی می‌کردند برای مقابله با طایفه‌های دیگر، حمایت‌های خارجی را برای خود تأمین کنند و این، مانع شکل‌گیری یک هویت ملی برای آن‌ها بود، اما موضوعی که همه طوایف بر آن اتفاق نظر و در آن حضور داشته باشند و برایش فعالیت کنند، تنها تجربه فرآیند ملت‌سازی در لبنان تجربه مقاومت بوده و این یک دستاورد بسیار مهم برای حزب‌الله است. دشمنان و قدرت‌های خارجی پیوسته در تلاشند تا در عرصه داخلی لبنان دخالت و ایفای نقش کنند.

در صحبت‌های تان اشاره کردید که تبلیغات دو شاخه دارد: یکی ابزار و دیگر گفتمان. به موضوع گفتمان بیش‌تر بپردازید.

اشاره کردم که دغدغه همه طوایف لبنان، ترس از یکدیگر است، یعنی در واقع هر کدام از آن‌ها نگران این است که دیگری بر طایفه‌شان غالب شود و قدرت و نفوذ را از دستش بیرون بیاورد و همواره دشمن سعی دارد از این نگرانی استفاده و این گروه‌ها را به خود وابسته کند و از این طریق در عرصه داخلی لبنان دخالت داشته باشد.

این‌که حزب‌الله، به‌عنوان یک قدرت مهم و مسلح، بتواند این نگرانی را نسبت به خودش از بین ببرد، خود یک موفقیت در عرصه گفتمان است، مثلاً بحث سلاح حزب‌الله موضوعی است که مخالفان سعی دارند به‌عنوان یک نگرانی به آن دامن بزنند و آن را یک تهدید به حساب آورند، ولی حزب‌الله در عمل نشان داده است که هیچ‌وقت از این سلاح نه در عرصه داخلی، بلکه صرفاً برای دفاع از لبنان استفاده می‌کند. این‌که حزب‌الله گفتمانی را به‌وجود آورد که اختلافات داخلی را تحت‌الشعاع قرار داد و دغدغه و نگرانی را نسبت به شیعه از بین برد و این موفقیت به جایی رسید که



یک سری دستگاه‌ها از جمله شبکه المنار و رادیو النور و گاه برخی از شبکه‌ها از جمله شبکه الجزیره در آن نقش بسیار مهمی داشتند. نقش مطبوعات در این میان چطور بود؟

مطبوعات بیشتر متأثر از همین جو تبلیغاتی بودند، البته روزنامه‌ها نقش بسیار مهمی داشتند، اما اگر بخواهیم بگوییم پرمخاطب‌ترین و پراثرترین رسانه‌ها به نظرم شبکه‌المنار و شبکه‌الجزیره بودند. رابطه شبکه الجزیره با المنار و در واقع حزب الله چگونه بود؟

در جنگ ۳۳ روزه، به دلیل شخصیت آقای بن جدد، مدیر شبکه‌الجزیره، که قبلاً مسؤول شبکه‌الجزیره در تهران بود و در لبنان هم زندگی می‌کرد، با تفاهم و تبادل خوبی که بن جدد بین مدیران شبکه‌الجزیره و حزب‌الله ایجاد کرد، الجزیره به ابزاری برای مقاومت تبدیل شد و هم‌چنین مورد عنایت سیدحسن قرار گرفت. شبکه‌الجزیره کاری انجام داد که به روایتی از کار شبکه المنار مهم‌تر بود، به خاطر این که این شبکه وابسته به حزب‌الله نبود و می‌توانست به عنوان یک شبکه بی‌طرف نقش ایفا کند و چنین نکرد، البته المنار هم نقش مهمی در این جنگ ایفا کرد، بیش‌ترین بینندگان در دوران جنگ ۳۳ روزه مربوط به شبکه المنار بود و نیز شبکه الجزیره که هر دو واقعاً در جریان جنگ ۳۳ روزه و انعکاس نقطه‌نظرات و دیدگاه‌های سیدحسن نصرالله نقش بسیار مهمی را ایفا کردند. هر چند که این قضیه بدون مقدمه انجام نشد، آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ قطعاً شخصیت سیدحسن نصرالله را به جهان شناساند و نباید فراموش کنیم که فداکاری‌های سیدحسن، از جمله شهادت فرزندش در باوراندن جهان عرب در مورد این که این مبارزه یک مبارزه صادقانه است و سیدحسن جزء رهبرانی است که از خود و خانواده‌اش در راه این مبارزه هزینه می‌کند و نیز صداقت راست‌گویی او در جهادی که در پی گرفته، بسیار موثر واقع شد.

**به عنوان سؤال آخر، به‌طور خلاصه، بگویید که چقدر از موفقیت حزب‌الله و مجموعه مقاومت لبنان را متأثر از فعالیت‌های رسانه‌ای آن‌ها می‌دانید؟**

من معتقدم که اگر رسانه نبود، بخش مهمی از دستاوردهای حزب‌الله از بین می‌رفت. یکی از بزرگان معتقدند که اگر در جریان اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ تلویزیون و رسانه‌ها گستره فعالیت‌های امروز را می‌داشتند، شاید این فاجعه هیچ‌وقت به وقوع نمی‌پیوست، بنابراین نقش رسانه، نقشی بسیار بسیار تعیین‌کننده است. ■

یکدیگر را تضعیف کنند. این مدیریتی است که امام‌خمینی (ره)، داشت ایشان یک رهبر مذهبی جهانی بود و نتیجه این شد که بحث مذهب و توجه به دین، بعد از انقلاب، در تمام دنیا منتشر شد. امام یک رهبر دینی، جهانی، شیعی و ملی بود.

این‌ها در ظاهر با هم تناقض دارند، یعنی یک رهبر شیعی بودن به این معناست که سنی‌ها قاعداً می‌بایست از او فاصله بگیرند، اما ایشان چنان رهبری می‌کرد که با رهبری اسلامی یا با رهبری ملی کشوری مثل ایران و یا با رهبری جهانی تناقضی نداشته باشد. این ویژگی‌ها در رهبری سیدحسن نصرالله هم مشاهده می‌شود، در واقع یعنی تلاش برای حفظ هویت‌ها در دایره‌های متداخل و نه دایره‌های متقاطع؛ به همین دلیل حزب‌الله یک حزب شیعی، اسلامی، لبنانی، عربی و دارای یک رهبر عربی است.

همگی به خاطر داریم که در جریان جنگ ۳۳ روزه از سیدحسن نصرالله به عنوان رهبر جهان عرب یاد کردند. بسیاری از رسانه‌ها و شخصیت‌های اسلامی و عربی گفتند شخصیت برگزیده جهان عرب، بعد از جمال عبدالناصر، سیدحسن است. قطعاً اگر سیدحسن هویت اسلامی خود را تحت‌الشعاع هویت شیعی‌اش قرار می‌داد، دچار مشکل می‌شد. این روی‌کرد نیاز به گفتگویی خاص دارد، گفتگویی که در آن واحد برای جهان عرب و جهان اسلام، برای لبنان و به‌ویژه برای شیعیان این کشور قابل فهم باشد.

امروز ما شاهد دوران شکوفایی وحدت شیعی در لبنان هستیم. در گذشته جنبش امل و حزب‌الله رقیب هم بودند، ولی امروز شاهدیم که این دو جنبش با هم وحدت نظر دارند.

**به عنوان یک شخصیت رسانه‌ای بفرمایید که کارهای رسانه‌ای حزب‌الله چگونه موجب انعکاس فعالیت‌های این گروه در رسانه‌های جهان شده است؟**

اگر بخواهیم این مسأله را با نگاه دقیق بررسی کنیم، باید بگوییم که این موضوع دو علت داشته است: اول گفتن حزب‌الله و سیدحسن و تبلیغات خوب و دوم کارآمدی حزب‌الله. قطعاً در جهان عرب رهبران بسیاری بوده‌اند، اما کارآمدی حزب‌الله خصوصاً در مورد اسرائیل و حمایت از فلسطین که مهم‌ترین موضوع مورد اهتمام جهان اسلام است، در این موفقیت نقش اساسی داشته است. در خصوص بعد رسانه‌ای آن هم توضیح دهید.

بحث گفتگویی که حزب‌الله و سیدحسن داشت، در آن دوران

امروز ما شاهد دوران شکوفایی وحدت شیعی در لبنان هستیم. در گذشته جنبش امل و حزب‌الله رقیب هم بودند، ولی امروز شاهدیم که این دو جنبش با هم وحدت نظر دارند